



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۶/۱۴



حمید انوری

"زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست"

عنوان بالا مطلع آهنگ گیرا و زیباییست که از حنجره بی بدیل "احمد ظاهر"، هنرمند هر دل عزیز و آواز خوان حنجره طلایی افغانستان بیرون گردیده و چنان بر دلها نشسته است که نسل اندر نسل منتقل گردیده و هنوز هم که بیشتر از چهل سال از سرودن آن میگذرد، لرزه بر دلها می اندازد. شعر پر معنی و نهایت پرسوز و دلنشین این آهنگ از زنده یاد "ابوالقاسم لاهوتی" شاعر بلند مرتبت، آزاده و قامت افراشته ایران زمین است که در تبعید در ماسکو سروده شده است. حیف است اگر در همین یادواره همان شعر دلنشین را به یاد "ابوالقاسم لاهوتی" پیشکش دوستان نکنیم، هرچند خوب میدانیم که همین شعر را اکثر هموطنان ما از بر دارند:

زندگی آخر سر آید بندگی در کار نیست	زندگی گر شرط باشد زندگی در کار نیست
گر فشار دشمنان آبت کند مسکین مشو	مرد باش ای خسته دل شرمندگی در کار نیست
با حقارت گر ببارد بر سرت باران دُر	آسمان را گو برو بارندگی در کار نیست
گر که با وابستگی دارای این دنیا شوی	دورش افکن این چنین دارندگی در کار نیست
گر به شرط پای بوسی سر بماند در تنت	جان ده و رد کن، سر افکندگی در کار نیست

زندگی آزادی انسان و استقلال اوست

بهر آزادی جدل کن بندگی در کار نیست

بلی "لاهوری" هرگز نخواست و وجدانش برایش اجازه نداد به شرط پابوسی، سر بماند در تنش و چنان بود که مجبور به ترک یار و دیار گردید و در غربت چشم از جهان پوشید و به ابدیت پیوست، "احمد ظاهر شهید" نیز چنان بود و سر در آستان زورآوران و قلدران خم نکرد، جان داد و زنده جاوید شد. این مختصر را در سالروز مرگ جانشوز هنرمند حنجره طلایی افغانستان، زنده یاد "احمد ظاهر" روی صفحه ریخته و به گزارشی در همین مورد از کابل درنکی می کنیم تا چه قبول افتد و چه اندر نظر آید: با یادی از آن هنرمند محبوب دل ها در لابلای گزارش ذیل، یاد و خاطرات آن شهید را زنده نگهداشته، روح و روان او را شاد خواسته و یادش را گرامی میداریم!!!

از سالروز وفات احمد ظاهر یاد بود به عمل آمد

احمد ظاهر آوازخوان پر آوازه **افغانی** است که گفته می شود از او در **چندین کشور های جهان** یاد می شود و آهنگ های ظاهر طرفداران گسترده ای دارد.

در همین یک جمله بالا گزارشگر هموطن ما "یاسر زندگی" یک بدعت و یک غلطی فاحش را مرتکب شده است. نخست استفاده از یک نام نامأنوس و ساخته مغز مریض "چنگیز پهلوان" یکی از گماشتگان آخندان ایران است که باعث تفرقه افگنی و سبب دل بدی میگردد و دوم هم اینکه "**چندین کشورهای جهان**" یک غلط فاحش در گرامر و ادبیات دری است و درست آن "چندین کشور جهان" است.



شماری از دوستانی احمد ظاهر به این باورند که مرگ احمد ظاهر نشان دهنده مرگ موسیقی افغانستان است که بعد از آن آوازخوانی به پیمانه او آواز نخوانده است
۲۴ جوزا سالروز وفات احمد ظاهر است که همه ساله از این روز در بین فرهنگیان و آوازخوانان افغانستان تجلیل می شود.

امروز دوشنبه بیست و چهار جوزا (۱۴ جون) مصادف است به سالروز وفات احمد ظاهر آوازخوان سرشناس

افغانستانی [افغان].

قرار معلوم این گزارشگر باید یکی از اجیران و مزد بگیران آخند های ایران باشد و دستور دارد تا به جای استفاده از "افغان"، همیشه از اصطلاح کس مخر و تهوع آور اختراع آخندک های جمهوری اسلامی ایران کار گرفته و زیر میزی مزد خود را دریافت کند و جای افسوس است که مسئولین سایت خبررسانی "بخدی" به همچو افراد فروخته شده، زمینه همچو خیانت ملی را فراهم میکنند.

فرهنگیان و آوازخوانان کشور که امروز در کابل گردهم آمده اند احمد ظاهر را **هنجره [خنجره]** دست نیافتنی دانسته و می گویند که او در بین آوازخوانان **افغانستانی [افغان]** و منطقه دیگر تکرار نخواهد شد.

این گزارشگر در حالیکه کمی هم بی سواد تشریف دارد، هنر جمله سازی را هم هنوز فرا نگرفته است، او می توانست جمله بالا را چنین بنویسد: "می گویند که او در بین آواز خوانان **افغانستان** و منطقه..."، تا هم دل اربابان ایرانی را به دست آورد و هم "یار" نرنجد. جمله ای که او ساخته است، از هر نگاه مریض و ناجور است.

احمد ظاهر ده ها آهنگ دارد که هر آهنگ او طرفداران خاصی در بین اقوام افغانستان و دری زبانان ایران و **تاجیکستان** دارد.

"مرگ من روزی فرا خواهد رسید، در بهاری روشن از امواج نور یکی از خوانند[ن] های او است.

باز هم هر دو جمله بالا سخت مریض اند، نخست اینکه گیمه ای که باز شده است، هرگز بسته نشده و دیگر اینکه "دری" یکی از دو زبان رسمی افغانستان است و آنکه مربوط به ایران است، "فارسی" است و نه دری و "دری زبانان ایران و تاجیکستان" غلط اندر غلط اندر غلط است. زبان ایرانی ها فارسی و از تاجک ها تاجیکی است و نیز در مورد به کاربرد اصطلاح "تاجیکستانی" رجوع شود به نوشته مقبول و مستدل محترم داوود موسی تحت عنوان "تاجیک یا تاجک؟"

تنها صداست که می ماند کتابی است که شعر و آهنگ های احمد ظاهر در آن نوشته شده و تا هنوز که حدود ۳۶ سال گذشته است طرفداران خود را در بین جوانان و شهروندان [یاشندگان] کشور دارد.

او تا هنوز به زبان های دری، پشتو، اردو و انگلیسی آواز خوانده که گفته می شود شماری از ایرانیان هنوز هم احمد ظاهر را آوازخوان نابغه می دانند.

جمله بالا که رُخش زرد شده است، باز هم کاملاً یک جمله ناجور و مریض است. "او تا هنوز..." بدین معنی تواند بود که احمد ظاهر هنوز زنده است، تاهنوز به زبان های دری، پشتو، اردو و انگلیسی آواز خوانده است، مگر هنوز امکان آن وجود دارد که به زبان های فرانسوی و جرمنی و... نیز آواز بخواند، و او یلا این ملک را واقعاً چه رفته است که بعضی گزارشگران آن بر علاوه اینکه مزد بگیران خارجی اند، سوئے تحصیلی شان هم کمتر از صنف چهارم ابتدائی است و چپ و راست "گزارش" می نویسند. از طرف دیگر چه لازم که در هر دو یا سه جمله حتماً باید یادی از ایران و ایرانی ها کرد؟!

شماری از دوستانی [دوستان] احمد ظاهر به این باورند که مرگ احمد ظاهر نشان دهنده مرگ موسیقی افغانستان است که بعد از آن آوازخوانی به پیمانه او آواز خوانده است.

دوستان احمد ظاهر نقل می کنند که او (احمد ظاهر) آدم بسیار سخی (خیرخواه) بود و برخی اوقات پولی را که او از راه موسیقی بدست می آورد برای فقرا توزیع می کرد.

ظاهر تحصیلات خود را در مکتب [لیسه] حبیبیه تمام کرد و بعد از آن در هندوستان در رشته تعلیم و تربیه تحصیلات عالی خود را به اتمام رساند.

او آوازخوانی را از دوران مکتب در لیسه حبیبیه آغاز کرد، اولین خوانندگی را که او در رادیو تلویزیون ملی آن زمان شروع کرد شعر از "هر" غزنوی (به تو ای ماه پاره میزبد میزبد ؛ گر کنی یک نظاره میزبد میزبد) بود. اسم درست و کامل شاعر "ازهر فیض یار غزنوی" است که اکثر اشعار و تصانیف احمد ظاهر شهید را برایش آماده می کرد و از استعداد عجیب و ذوق عالی برخوردار بود، یادش گرامی باد، اما گزارشگر مورد نظر ما حتی قادر نبوده است تا اسم او را درست و دقیق بنویسد. وای بر ما!!!

آخرین خواندن او در رادیو تلویزیون ملی، "باده ها خالیست خالی ساغر مینا کجاست ؛ درب میخانه است بسته ساقی زیبا کجاست" می باشد که احمد ظاهر سروده است.

و اما من فکر میکنم آخرین آهنگ زنده یاد احمدظاهر، آهنگ زیبای "خدا بود یارت، قرآن نگهدارت، سخی مددگارت" بوده باشد که در آخرین کسیت او که کسیت چهاردهم بود گنجانیده شده و به یاد فرزند دلبد خود "احمد رشاد ظاهر" سروده بود که از پدر دور و در خارج از کشور بسر می برد.

احمد ظاهر در سال ۱۳۵۸ هجری خورشیدی به تاریخ ۲۴ جوزا در سن ۳۲ سالگی در نتیجه رویداد ترافیکی در سالنگ کشته شد و بعد از مرگ او طرفداران آوازش اندوهگین شدند.

"در نتیجه رویداد ترافیکی" چرند و دروغ شایع بود که جنایتکاران خلقی - پرچمی قفله کردند تا جنایت عظیم خود را در قتل احمد ظاهر پرده پوشی کرده باشند، اما این دروغ شایع شان هرگز خریداری نیافت و امروز بعد از سپری شدن ۳۶ سال همان دروغ تهوع آور خلقی ها و پرچمی های جنایت گستر را "گزارشگر بخدی" نشخوار می کند و چه ساده از آن جنایت درد آور می گذرد. ننگت باد!!!

زنده یاد "احمد ظاهر" در سالنگ بگونه وحشتناکی به قتل رسید و کشوری را در غم و ماتم فرو بُرد. آخرین قسمت این گزارش که همانا این جمله سخت بی احساس و غیر مسئولانه "بعد از مرگ او طرفداران آوازش اندوهگین شدن"، باشد، دردآورتر از مرگ هنرمند است. یعنی چه "طرفداران آوازش اندوهگین شدند"، فقط همین؟؟؟

حدس زده میتوانم که "یاسر زندگی" گزارشگر بخدی در آن زمان یا هنوز چشم به دنیا نگشوده باشد و یا هم کودک دو یا سه ساله بوده باشد و اتفاقات آن زمان را به یاد نداشته باشد، اما یکاش پیش از نوشتن این گزارش با چند تن از هموطنان سرد و گرم چشیده ما که در زمان قتل فجیع و هولناک روان شاد "احمد ظاهر" حیات بوده و در مراسم خاکسپاری او شرکت داشتند و نیز وقایع و عکس العمل های هموطنان را در سرتاسر کشور دیده و یا شنیده بودند، پرسش هائی را مطرح می کرد و بر معلومات خود در زمینه می افزود و بعد شوق نوشتن "گزارش" می نمود.

کوتاه خدمت این "گزارشگر" عرض شود که در آن جو اختناق و بگیر و ببند و در آن روز های قتل و کشتار و حکومت نظامی که ترس و وحشت بر کشور و به خصوص در کابل مستولی بود، مراسم تشییع جنازه احمد ظاهر شهید چنان بزرگ و پُر ازدحام بود و چنان دوستداران احمد ظاهر فریاد و فغان عدالت خواهی را به راه انداخته بودند، که رژیم کودتا را با تمام قدرت نظامی آن به وحشت انداخته بود.

من که خود در آن مراسم شرکت داشتم، شاهد بودم که آغاز مراسم از منزل زنده یاد احمد ظاهر در شهرنو کابل بود و ختم آن در شهدای صالحین و صف مردم که همه گریه می کردند و فریاد می زدند، موتر جنازه از آپارتمان زنده یاد احمد ظاهر براه افتیده و به شهدای صالحین رسیده بود و ختم آن صف طویل هنوز در مقابل آپارتمان احمد ظاهر قرار داشت. آن صف عظیم حتی موتر حامل جنازه آن شهید را بر شانه های خود انتقال می دادند. چنان یک مراسم بزرگ و عظیم جنازه را تاریخ افغانستان به یاد ندارد، اما "گزارشگر" متذکره می نویسد: "بعد از مرگ او طرفداران آوازش اندوهگین شدند". ای دریغ!!!

بلی! احمد ظاهر در اثر توطئه شوم حفیظ الله امین - اسدالله امین و سید داوود ترون نامردانه به شهادت رسید و آن خون ناحق به بسیار زودی گریبان قاتلان او را گرفت. یادش گرامی باد!!!
به لینک ذیل کلیک کرده و از آهنگ زیبای زنده یاد احمد ظاهر لذت ببرید:

زندگی آخر سر آید، بندگی در کار نیست